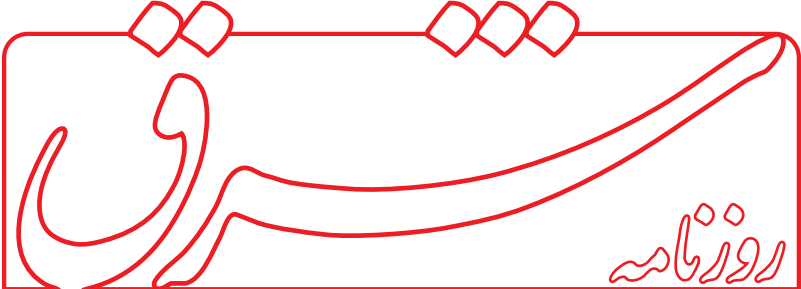




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزوتنین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۶۶۱۸۱۲۱۰-۵
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر:۱۱:۱۳ اذان مغرب ۲۰:۳۵ اذان صبح فردا ۴:۲۸ طلوع آفتاب ۶:۰۷

شتر



دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۰ ۲۳ شعبان ۱۴۳۲ ۲۵ جولای ۲۰۱۱ ۸ سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۰۲ - شماره ۳۷۸ دوره جدید - ۲۰ صفحه

هریسن فورد در نقش کلانتر معروف بازی می‌کند



خبر آنلاین: هریسن‌فورد در اقتباس سینمایی از «کلامشکی‌ها، یک رمان درباره وایات ارب و آل کاپون» نقش وایات ارب را بازی خواهد کرد. فیلمنامه را کرت یاستنار به مبنای رمان مکس آلن کالینز («جاده پردیش»)، نویسنده پرکار نوشته که رمان خود را با اسم پاتریک کالین منتشر کرد. داستان در دهه ۱۹۲۰ روی می‌دهد. وایات ارب به سفارش بیوه داک هالییدی به نیویورک می‌رود، جایی که مغازه پسر داک مورد تهدید آل کاپون جوان قرار دارد. هریسن فورد فیلم «کابوی‌ها و بیگانه‌ها» را آماده نمایش دارد که هفته آینده اکران می‌شود.

زاویه

سردار تاریخ را از قهرمانی خالی نکند



محمدعلی ابیتانو

■ سردار، نام شما را به خاطر ندارم، چند روز پیش در روزنامه‌ها خواندم یادم رفت اما می‌دانم که فرمانده سپاه کهگیلویه و بویراحمد هستید و می‌دانم که می‌خواهید مجسمه آریوبرزن را از جایش بردارید. سرزمین کهگیلویه را نیز مثل سراسر زاگرس و مثل سراسر ایران گشته‌ام. سرزمین زیبایی است با کوه‌های سر به فلک کشیده خشن و دره‌های تنگ، قله‌های سپید پربرف، رودهای خروشان، آبشارهای بلند، لاله‌های سرخ، با مردمانش آشنایم. نان و نمک بویراحمدی‌ها را خورده‌ام، روزها و شب‌ها زیر آسمان پرستاره در برف در باران با آنها گذرانده‌ام. با هم به شکار رفته‌ایم، پازن زده‌ایم، برای هم کرکری تیراندازی خوانده‌ایم، شوخی کرده‌ایم، سربه‌سر هم گذاشته‌ایم، مردمانی که همچون طبیعت‌شان جذابند.

در عین خشونت، ظاهری مهربان در عین مهربانی رک و یک‌رو اما همه یک ویژگی دارند، به شدت وطن‌پرست هستند. برای دفاع از سرزمین‌شان جان فدا می‌کنند. هشت سال جنگ تحمیلی این را به خوبی ثابت کرد. تکتک عکس‌های شهدای بلوار یاسوجی شاهدند. تاریخ نیز شهادت می‌دهد. مادران تاریخ هم، مادران فرزندان تاریخ‌ساز هم زمانی که کل می‌کشیدند و با دایه دایه وقت جنگه جگر گوشه‌شان را که تفنگ‌های دسته‌نقره و قطارهای پرفشنگ داشتند، به جنگ دشمن می‌فرستادند. اگر زنده برمی‌گشتند، رخت دامادی در انتظارشان بود اگر زخمی می‌شدند، مخلوطی از کوبیده گزنه و باروت روی زخم‌شان می‌گذاشتند و بلافاصله باز هم به جنگ روانه‌شان می‌کردند و اگر شهید می‌شدند مویه می‌کردند.

اسب، تفنگ، قطار و چوخایش را می‌آوردند، مراسم چمر بر پا می‌کردند، خاکش می‌کردند و بر سر گور جگر گوشه دلیرشان شیری سنگی می‌گذاشتند و با فریاد به رهگذران می‌گفتند که: - های خالو، اینجا جوان من خوابیده، روستا زاده‌ای، عشقپزه‌اده‌ای که در مقابل دشمن ایستاده. شیر من شجاع بوده، شیر مرا، شیریه جان مرا خورده هرگز نترسیده، جانش را فدا کرده.

آری سردار عزیز شما هم این‌چنینند. شما را هم مادران به جنگ دشمن فرستاد. شما هم نترسیدید. جانتان را کف دست گرفتید و جنگیدید. تمامی بویراحمدی‌ها، تمامی زاگرس‌ی‌ها، تمامی ایرانی‌ها در طول تاریخ این چنین بوده‌اند. اگر شماها نبودید، اگر آنها که در تمامی طول تاریخ برای این وطن جنگیدند، نبودند ما اکنون به زبانی به جز فارسی حرف می‌زدیم و نام کشورمان ایران نبود. تمامی مادران تاریخ گواهی می‌دهند آریوبرزن هم مثل شما روستا زاده یا عشقپزه‌اده‌ای بوده است از زاگرس که در دامن مادری شجاع پرورش پیدا کرده. او هم مثل شما برومند که شده به سپاه پیوسته.

او هم مثل شما جانش را به کف گرفته و به مقابله دشمن رفته. از زیادی دشمن نترسیده، با عده‌ای قلیل در مقابل دشمن ایستاده و شهید شده همچون هزاران سردار گمنام این آب و خاک، همچون محمد جهان‌آرا که در فاصله‌ای نه چندان دور از زاگرس از زیادی دشمن ترسید. با چند محمد و رضا و حسین و اردشیر و داریوش و آریوبرزن دیگر با دست خالی خرمشهر را آزاد کرد و خود شهید شد. سردار عزیز، من نمی‌گویم، لختی ببیندیشید و شما بگویید که آریوبرزن، جهان‌آرای زمان خود بود، یگنارید عکس و مجسمه و یادبودش باشد، همچون هزاران هزار قهرمان دلیر این آب و خاک، سردار، تاریخ را از قهرمان خالی نکنید، خطرناک است. دیگران دارند برای خود تاریخ می‌سازند. تاریخ می‌خرد، قهرمان می‌خرد، نام خلیج‌فارس ایران بی‌قهرمانی چون شما و محمد و آریوبرزن آسان‌تر عوض می‌شود.



حسن نراقی ◀ نویسنده و پژوهشگر اجتماعی

سوال گسترده‌تر از آن است که بشود در یکی دو جمله به پاسخش برخاست. اما به اجمال می‌گویم سال‌ها پیش هم گفته و پیش‌بینی کرده بودم که عاقبت پنهان‌کاری مردم و دولت یه بهتر از این نمی‌تواند بینجامد. از پنهان‌کاری می‌گویم که دیگر کار را از دورویی و حتی چندرویی فراتر برده، اخلاق باید به کمک الگو و آموزش اکتسابی باشد و نه امری‌های، آن هم با بستری‌های همساز... مدیریت روحی و روانی جامعه به مراتب سخت‌تر و مشکل‌تر از مدیریت اجرایی کشور است. مدیریت روانی جامعه با محدودیت‌ها تنها کار کسانی است که با تمامی وجود در بهترین تصور با خلوص نیت اما بدون در نظر گرفتن امکانات علاقه‌مندند دنیا را به بهشت تبدیل کنند... شرایط خوب نیست اما با خودمان باید صریح باشیم. ولی یادمان نرود از هر بدی، بدتر وجود دارد. هنوز هم فرصت‌ها در گوشه و کنار ممکن است به چشم بخورند، گروه‌های کور اجتماعی را باید با حوصله و تکت‌ب که کمک علاقه‌مندان و مطلعان بی‌نظر اجتماعی باز کرد و گرنه سخت است که بگوییم... اما شرایط بهتری در راه نیست.



فریده غیبرت ◀ حقوق‌دان

نمی‌توان گفت میزان خشونت فقط در ایران که در جهان افزایش پیدا کرده است. عواملی چون کثرت جمعیت و فقر و مسایل اقتصادی دلایلی است که باید به شکل دقیق‌تری ریشه‌یابی شود. درباره خشونت با زاویه دید حقوقی می‌توان گفت که فردی در یک آن مرتکب خشونت و از نگاه مجرمانه و غیرمجرمانه بررسی می‌شود. با این حال خشونت امری است که ریشه‌یابی عمیق روانکاوانه را می‌طلبد که چه اتفاقی می‌افتد که فرد به اینجا می‌رسد که خود را دارای چنین حقی می‌داند که اعمال خشونت کند. معمولا ما از دید قانونی، جرم‌انگاری و توسعه جرم را براساس توسعه مناسبات اجتماعی می‌بینیم که هر قدر این مناسبات بیشتر شود. بر خوردها بیشتر و در نهایت ناهنجاری‌هایی را پدید می‌آورد که به خشونت منجر می‌شود. خشونت را نیز می‌توان به این شکل تعریف کرد که از ناسلامانی و کمبودها جلوه‌گر می‌شود. مردی که همسر خود را کتک می‌زند از سر قدرت این کار را انجام نمی‌دهد و عمیقاً دچار کمبودهایی است، چرا که اگر انسان متعال از حقوق و زندگی متعال برخوردار باشد هرگز به خود اجازه نمی‌دهد به حقوق دیگری تجاوز کند.



سعید خراطها ◀ جرم‌شناس

بروز چنین خشونت‌های افسار گسیخته‌ای که اخیراً بخشی از آن در رسانه‌ها متجلی شده شاید چندان امر غیر طبیعی‌ای نیست و هشدارهای بسیاری از صاحب‌نظران معطوف به بروز این خشونت‌ها در جامعه بوده است. در شرایطی که آسیب‌های اجتماعی در قواره مساله اجتماعی بروز کرده و مسایل اجتماعی مرزهای بحران اجتماعی را در می‌نورند، بروز این خشونت‌ها امری طبیعی است.



حسن تردست ◀ رییس شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران

عوامل متعددی در افزایش پر خشک‌گری‌ها چه در برخورد با اعضای خانواده و چه در برخورد با افراد جامعه موثر است؛ پر خشک‌گری‌هایی که اذهان عمومی را در ماه‌های اخیر آشفته کرده و «قتل‌های خیابانی» را موجب شده است. فشارهای اجتماعی بر زندگی مردم یکی دیگر از آن عوامل است. متأسفانه برخلاف فرهنگ روح‌بخش اسلامی که مسلمان دعوت به خوش خلقی و مدارا دشمنان این روزها روح رحمانی جمعی ما خدشدار شده است و راه‌لکر برون‌رفت از این وضعیت تنها در یک کلام بازگشت به روح رحمانی مکتب اسلام است که پیامبر(ص) نمونه بارز آن است.

سپهر

خواب شیرین

چند برابر اصلش می‌دهد، من که بگویم، نه نمی‌آورد. آن روز هم که دعوا بالا گرفته بوده، فرهاد سیبل گرو می‌گذارد و قول شرف و ناموس می‌دهد که تا آخر هفته کار را تمام می‌کند و به عشقش می‌رسد و طلب همه را می‌دهد. فرهاد که اینها را برایم تعریف می‌کرد شیرین با همه وقار و آرامش‌اش نگاه تحقیرآمیزی به فرهاد کرد و کمی آن طرف‌تر نشست روی یکی از سنگ‌هایی که گویا آن هم از بیستون آمده بود به خوابم.

خلاصه مشغول مرافعه و داد و فریاد بوده‌اند که پیک مرگ می‌رسد و خبر مرگ شیرین را می‌دهد. فرهاد می‌گفت در همان حالت عصبانیت و دعوا کنترلش را از دست داده و از بالای کوه پرت شده پایین. اصرار داشت بگوید که به خاطر شنیدن خبر مرگ شیرین خودش را پرت نکرده، حرف‌های فرهاد که تمام شد شیرین تحمل نکرد و رفت. غرولندی به فرهاد کردم که نمی‌شد حالا این ماجرا را تعریف نمی‌کردی تا ما هم از هم‌صحبتی و دیدار شیرین لحظه‌ای شیرین‌کام می‌شدیم. گفت دنبال فرصتی بودم و نامودم کتم مرگم از عشق شیرین نبوده، آخر اینجا داستانش را برایش گفته‌اند، خودخوری می‌کند و خود را شسمات که چرا من به عشق او جان دادم. حالا با من قهر باشد بهتر است تا خودش را آزار بدهد به وصال شیرین که برسم، دلبرم حقوق همه‌تان را



علی درخششی

aderakhshi@yahoo.com



نگاه سبز

نشانه‌های مرگ زاگرس را جدی بگیریم



محمد درویش

معلوم است که در کل زاگرس چه بلوایی برپاست و چگونه تغییر کاربری دارد کارمای‌ها را در باختر ایران می‌مکد و مهم‌ترین کارخانه تولید آب ایرانیان را به تاج می‌برد. از همه این موارد دردناک‌تر شاید گزارش مستند سال گذشته مر ترضی ابراهیمی رستاقی از کارشناسان پیشکسوت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور باشد (با عنوان: ابعاد کنونی تهدیدات تنوع زیستی در چشم‌انداز زاگرس مرکز یا تاکید بر پوشش جنگلی)

که بر بنیاد مطالعات و بررسی‌های دقیق خود خبر از کوتاه شدن ارتفاع متوسط توده‌های جنگلی زاگرس از ۱۲متر به هشت متر داده و افزون بر آن، می‌گوید تاج پوشش حدود ۷۵درصد از این توده‌های جنگلی به کمتر از ۲۵درصد کاهش یافته است. به نظر می‌رسد اگر به دنبال بررسی نشانه‌های مرگ زاگرس هستیم، از فضا باید همین دو شاخص اخیر را جدی‌تر از بقیه منظر قرار داده و با دوری گزینی از پرده‌پوشی‌های مجازی و غیرواقعی، شجاعانه واقعیت‌ها را با مردم و مسوولان ارشد نظام در میان نهاده و هشدارهای لازم را در بزنگاه‌هایی که هنوز امکان جبران مافات وجود دارد، بیان کنیم. به راستی چرا باید قدمت طرح‌های مدیریت جنگل در زاگرس تنها به حدود یک دهه برسد، در حالی که از تاسیس نهاد متولی جنگل‌ها در کشور حدود یک قرن می‌گذرد؟ و چرا باید - به گفته معاون وقت مناطق خشک و نیمه‌خشک سازمان جنگل‌ها) فقط ۱۰میلیار تومان برای حفاظت و صیانت از جنگل‌های زاگرس در سال اختصاصی یابد؟ آن هم در شرایطی که برای ساخت سدهای متعددی که در زاگرس چون قراچ در حال رویش هستند، به طور متوسط بیش از ۵۰۰میلیار تومان در سال هزینه می‌شود! بار دیگر تاکید می‌کنم، زاگرس اگر بیمار باشد زاگرس اگر بزمان باشد یعنی ایران افسرده است! سرزمینی که نتواند شالویی زیستمدان گیاهی و جانوری‌اش را در بخش مطلوب اقلیمی‌اش تضمین کند، هرگز نخواهد توانست تا روزگاری شاد بماند مردمش هم بیافریند و این آموزه اصلی پیدایش شاخصی است که از آن با عنوان «شاخص سرزمین شاد» یاد می‌کنند و کشور ما در طول سه سال اخیر بیش از ۲۰ رتبه در این شاخص تنزل مقام یافته است. باشد که از این هنگامه تلخ درس گرفته و نشان دهیم که علاوه بر روح حاکم بر اصل ۵۰ قانون اساسی خویش معتقد بوده و از هر نوع فعالیتی که محیط زیست زاگرس را تخریب کند، و بدین ترتیب حیات اجتماعی رو به رشد مردم را مختل کند، معانعت به عمل خواهیم آورد.

دکه

شماره جدید «مدیریت ارتباطات» آمد



■ پانزدهمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات - مردادماه ۹۰- منتشر شد. در سرفاله این شماره ماهنامه به قلم امیرعباس تقی‌پور، مدیرمسوول ماهنامه از روند صدور مجوز فعالیت‌های روابط‌عمومی تحت عنوان کانون‌های آگهی و تبلیغات انتقاد کرده است. اما گفت‌وگوی ویژه پانزدهمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات، توسط سردبیر ماهنامه با محمد هاشمی‌فستجانی، رییس‌دفتر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس اسبق سازمان صداوسیما انجام شده است. گفت‌وگو با دکتر فریدون وردی‌نژاد در مورد تکنیک‌های اقناعی در رسانه‌ها از دیگر مطالب این شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات است. ضمن آنکه مدیرکل روابط‌عمومی سازمان صداوسیما در مورد نحوه اطلاع‌رسانی اخبار سوریه، اطلاعاتی را در اختیار این ماهنامه قرار داده است.این شماره ماهنامه، در پرونده‌ای مفصل با عنوان روزنامه‌نگاری پشت‌پنجره فتووزنالیسم اطلاع‌رسانی با عکس، منتشر شد. به بررسی جایگاه عکس به مثابه رسانه‌ای در مطبوعات و ابزار رسانه در دنیا و ایران پرداخته شده است. علاقه‌مندان به تهیه ماهنامه مدیریت ارتباطات می‌توانند این نشریه را از: کیوسک‌های مطبوعاتی تهیه کنند.

نویسنده وکارگردان: بهرام توکلی

اینجا بدون من

فاطمه معتمدآریا،صابرا بر

نگار جواهریان و پارسا پیروزر